

جامعه مدنی در تئنگنای سیاست

❖ از تحولات مثبت سمن‌ها در تأسیسی اخیر بگوئید.

دی‌کاشانی: به نظر می‌رسد که رفتارهای نهادهای مدنی، کمی پخته‌تر شده و هیجانات کمتری دارد، از نظر ساختاری متأسفانه معایب زیادی دارد. موثرناصی: از نظر من هم فعالان مدنی، رونمادرات شده‌اند، نگرش انتقادی را به جای گرش حسی گذاشته‌اند و روابط درون‌نهادهای خود را شفاف‌تر کرده‌اند. خبر خوب اینکه مردم رت و قابلیت نهادهای مدنی را باور کرده‌اند.

دی کاشانی؛ بلکه همین‌طور است، اگر شما مدلتان
 داوطلب محور مشخص کنید، باید نیم‌نگاهی به
 مطالبات‌شان داشته باشید. خوشحانه امروزه در
 هیئت مدیره، دهه شصتی داریم. این گام به جلو
 است.

❖ یکی از شاخص‌های ارزیابی، اثرگذاری بر سیاست‌هاست، از این بابت، ان‌جی‌او‌ها را چگونه می‌بینید؟

دی کاشانی: به نظر می‌رسد رفتارهای نهادهای
نمی‌کمی پخته‌تر شده و هیجانات کمتری
د، اما از نظر ساختاری متأسفانه معایب زیادی
ساده می‌شود.

و موافقتی: اولاً حکومت و ساختار سیاسی و اجتماعی و ثانیاً: بدنه نهادی مدنی به مثابه اهداف جدید از جوانان ساخته شده است. طبعاً هر زبان هم را بهتر می فهمند. نکته درخور آنکه فرزندان دولت مردان در ایران، مقابل و برابری فرزندان خود قرار گرفته و نمی توانند سیرت نسلی را نادیده بگیرند و انکار کنند.

جدا بر پدیده اثرگذاری نهادهای مدنی هم
نمیداریم؛ دو نمونه مشخص؛ یکی مقاومت
تجمع‌های جهت جلوگیری از تصاحب
حاکمیت از خانواده در زمان احمدی‌نژاد که به
سطح ائتلاف نهادهای زنان اعم از اصلاح‌طلب
اصولگرا و زنان مستقل - صورت گرفت و کاملاً
موفق بود. دیگری استادی‌های نهادهای مدنی
عقربان دست‌جمعی آنها به نظر آیت‌الله
عزیز برای منع حضور اقلیت‌ها در شوراها که
نیز از اجرای رای شد. این مقاومت مدنی اخیر
بر سهانه و فضاهای مجازی می‌توانستند فراتر
قدرت موجود نهادهای مدنی پیش ببرند
فرض فضای مجازی و شبکه‌های مدنی به عنوان
ششای ناظر و تأثیرگذاری بر سیاست‌ها را
می‌توان نادیده گرفت.

پیشروی بیشتر سرزمینی، با سد محکم و نفوذپذیری به نام کردها مواجه شد و نخستین و سخت‌ترین شکست‌ها را هم از آنان در سوریه و عراق متحمل شد و اینک پایتختش نیز در آستانه فروپاشی و آزادی به دست آنهاست، تلاش کند تا از کردها در هر کجا که هستند، انتقام بگیرد؛ انتقاصی که برای داعش انگیزه مضاعفی داشته و دارد؛ چرا که سد دیگر ماجرا ایران است؛ ایران‌دانی که چه در سوریه و چه در عراق، در تعیین مرزها و مناطق اشغال‌شد جنوبی به دست داعش، بیشترین تأثیر را داشته است و چه‌بسا اگر ایران تعامد وارد کارزار نشده بود، اینک خطبه‌ها و فرمان‌های اوباما بر بزرگداشتی از روزی در بغداد می‌شنیدیم و بغدادی دیگر در دمشق در چنین شرایطی، از چندین عضو ایرانی‌اش استفاده کرد و برای

با اقدام به پخش تصویری از حمله آنان
بر ایران کرد که در هر کوی و عامده قبل از
برسی، گوینده از کلماتی گریه استفاده کرد
و برای محکم‌کاری هرچه بیشتر، فیضی از
تئوریستی خود را که پیش از حمله به
شان داد که در بدعتی آشکار، آنان با زبان
سلسفه «امت‌بودن» داعشی و «قوه‌بودن»
و لزوم جهاد با آنان شیعی می‌راند. این
دور که همه گرویده، مسلط به عربی بود
تا مانند همه تئوریست‌های انتحاری دیگر، به
که زبان خلافت خودخوانده داعش است.
تکنهای که از دشمنان تیزبین و نکته‌بین
خبرنگاران یک رسانه آن سوی آب دور
شان هم توانستند نهایت استفاده را از آن
و لاف‌افکنی برند و با استفاده از تکنیک‌های
و عملاً خبر هویت مهاجمان را تبدیل به
ایران کردند و آن‌گونه در فضای مجازی
و برای اجتماعات، بر آتش فتنه و تفرقه‌ای که
با دنبال آن بودند، دمیدند. به هوش باشیم و
عش هیچ هویتی را اعم از ملی، قومی، زبانی
پد دینی نمی‌شناسد. گروهی که از مذهب
و بزاری برای ایدئولوژی مغرب و زبان پارشان
تداومات شرعی و غیرسانی خود استفاده
و برای کردها چونان شیعی می‌ماند که در
و بازگردادن آفتاب روشنی به خاورمیانه.
به سال است لحظه به لحظه با جان و خون
روزم می‌کنند و به قول حضرت سعدی علیه
قصه نبرد کردها و داعش برای نجات خود و
آن‌گونه است: «آهنگ دراز شب ز من پرس
تو می‌دانی نخفم.

و سیاسی و صلح طلبی مانند «صلاح الدین دمیرتاش» و هم‌فکرانش در حزب «دموکراسی برای خلق‌ها» را هم گرفته و در فضای قدرت تک‌ساحتی اردوغانی، آنها را از پارلمان به زندان روانه کرده است.

این تفاوت دارند؛ آنها سال‌هاست از یک‌سو با فعالیت حامیان نوعی قرائت سلفی رادیکال که نه تنها بومی مناطق اهل سنت و شافعی‌مذهب ایران نیست، بلکه وارداتی است، مبارزه مدنی می‌کنند. در زمان دفاع جاناتان کوبانی و سقوط مظلومانه شنگال، بسیاری از جوانان کرد ایرانی دوشادوش دیگر هم‌وطن خود - مسلحه به دست گرفتند و هنوز بسیاری از آنان در شنگال، رقه و... علیه داعش می‌جنگند. کردها به‌تازگی نیز در انتخابات ریاست جمهوری با وجود همه شرایط و مشکلاتی که دارند، بالاترین درصد رای خود را به یک دغدغه‌مند، افراطی داعشی است، دادند؛ درمانی که نوآرک‌ها و نوآرک‌ها را به‌سوی داعشی‌گری و افراط‌گرایی سوق داده‌اند.

انتقام شب از روز

طبیعی است داعش در منطقه‌ای که تمام مرزهای شمالی و شرقی خلافت خودخوانده ابوبکر بغدادی با مناطق کردنشین احاطه شده بود و در تلاش برای



داعش و کردها نبرد تاریکی و آفتاب!

باقی مانده را آزاد کنند. اینجا همان سرزمینی است
که دانش گوی پیشمرگان اسپرده‌ش را به دست
آهلائی دردی پوشیده می‌برد؛ همان جایی که دانش
رهبران را تکثیر کرده است؛ همان جایی که بیشتر از
۴۰ حمله‌شاه به کرکوک، دفاع جانانه کرده، یکی
پس از دیگری شکست خورده است؛ همان جایی که
کرد، عرب، ترکمن، فارس، بلوچ و... حلقه اتحاد زده‌اند
تا شریک ظلمات را برای همیشه کم کنند!

نبرد کردها و دانش در ترکیه: دانش اما در ترکیه به
شیوه‌ای دیگر به نبرد کردها رفته است؛ تنها کسی
که نبرد کردها را در برابر دولت مرکزی قرار دادند،
امری که متأسفانه با اشتباهات رهبران ترکیه و
فرمانده‌های پیک همراه شد. به یاد آوریم شهر
سورج را؛ جایی که جوانان داوطلب کُرد ترکیه‌ای
پس از شکست محاصره کوبانی، جمع شده بودند تا
با همکاران و همدلی به پاک‌سازی و اتحاد کوبانی
جنگ‌ده همت گمارند؛ اما ناگاه دو بمب‌گذار انتحاری

داعشی، در میان آنان خود را منفجر کردند و بیشتر از ۳۰ نفر از دختران و پسران گرد تکیه‌ای در آن کشته شدند و این سرآغازی شد که پروسه صلح میان آنکارا و قنبدلی کنار گذاشته شده و اشتباهات و سیاست‌های جاه‌طلبانه طرفین، یک بار دیگر آتش اختلاف و درگیری را به تکیه بازگرداند؛ آتشی که حتی دامن فعالان مدنی

سخنگوی وزارت خارجه ایران:

تیلرسون تاریخ و جغرافیا بخواند

سخنگوی وزارت امور خارجه چالش موجود روابط کشورهای منطقه را نتیجه اجلاس غلطیاض دانست و درعين حال اين کشورها را به تکراره، خودشنترى دارى و لحاظفصل موضوع دعوت، پرهام قاسمى در نشست خبرى در پاسخ به سؤالى درباره موضع جمهورى اسلامى ايران در تنش بين قطر و برخى کشورهای منطقه اين لمبر را بيان کرد. وى افزود: درباره مسائلى که بعد جلاس رياض در منطقه اتفاق افتاد، در جلسه اين اشاره کردم که برگرزاري باهمکاری و پيچيدمان ط آن اشاره اس مى تواند آثار ناگوارى با توجه به حالت ديگران داشته باشد. سخنگوی دستگاه لملماسى تاکيد کرد: تصور ما اين است که اين کشورها با توجه به وضعت منطقه و چالش هاى بتوانند در یک روند مثبت و همه جانبه در پشت مذاکره، تشک را لحاظفصل و برای آرامش و هر چه بشت منطقه تلاش کنند.

مطالعه اسناد عضویت دائم در سازمان شانگهای

قاسمی درباره اجلاس شانگهای و بیوت‌نداشتن ایران در این اجلاس، گفت: ما هنوز ناظر هستیم، بحث عضویت دائم، فرایند خود طی می‌کند که بسیار طولانی و پیچیده است. من از ۳۰ سند و اساسنامه است که بر اساس اسرار ما، باید مطالعه و تصویب شود. ما در اسرار اخیر در دستور کار نبودیم و بحث عضویت و طولانی‌تر خواهد بود. ما نیز اسناد را مطالعه کنیم. این روند ادامه دارد و پیگیری خواهد شد.

بحر خلیج فارس است

به گزارش ایرنا، سخنگوی وزارت امور خارجه واکنش به رکس تیلرسون، وزیر خارجه آمریکا، در استفاده از نامی معمول برای خلیج فارس اظهار کرد: به ایشان توصیه می‌کنم در مطالعات نفتی خود، به تاریخ و جغرافیای نام هم بپردازند. آقای تیلرسون سابقه نفتی دارد و از مدیران نفتی بوده است. علی‌الاصول با چه به پیشنهادی که از سیاست‌مداران آمریکایی شناسیم، آنها کاملاً می‌دانند خلیج فارس مشخص و شایسته نامی است. به ایشان اشتباه هاند و احتمالاً باید می‌دانستند که اینجا خلیج فارس است. این نگاه خوش‌بینانه است اما به بدبینانه این است که آقای تیلرسون تاریخ‌داند و جغرافیا را نمی‌شناسد. به ایشان توصیه می‌کنم در کنار مطالعات نفتی خود، به تاریخ و جغرافیای جهان هم بپردازند. اگر فردوسی، کیسکه‌شاهی و بزرگدندان می‌توانند به نیست و نبوده‌های ایران در امتداد زرتشتی‌ها و آمریکایی‌ها، موزه‌های اروپایی و مرکز اسناد و

نگاه

اقدامی که نباید ساده از آن گذشت



● به‌کارگیری عبارتی مجعول به جای خلیج فارس از سوی رکنس تیلرسون، وزیر خارجه آمریکا، در یک مصاحبه در واشنگتن تحولی نیست که بنیاد رخت از کنار آن گذشت. اگرچه در گذشته برخی از مقامات وزارت خارجه آمریکا بسیار به‌ندرت این اصطلاح جعلی را به‌کار برده‌اند و در سطح وزیر خارجه نیز گاه هلمر بی‌معنی «خلیج» استفاده شده، استفاده از عبارت جعلی از سوی یک وزیر خارجه آمریکا اکنون سابقه نداشته است.

این اقدام تیلرسون حاکی از فرصت طلبی سیاسی او و نقض اصولی است که تاکنون بنیاد این مقام عالی رتبه آمریکا به آن پایبند بوده‌اند. نام خلیج فارس به عنوان یک نام مستعمره تاریخی سال ۱۹۱۷ به تصویب نهاد «نام‌های جغرافیایی آمریکا» USGN که مرجع رسمی نامی جغرافیایی دولت فدرال آمریکا است، رسیده و دولت آمریکا نیز مطابق قانون مصوب سینه روز به تبعیت از آن بوده است. عملاً نیز دهه‌های گذشته به همین سیاق عمل شده و نام خلیج فارس در دوایر دولتی آمریکا و نیز در رسانه‌ها و مراکز علمی و دانشگاهی و... کاربرد داشته است.

حتی سال ۱۹۹۰ و هیزمان با استقرار صدام
هزار سرباز آمریکایی برای اخراج نیروهای صدام
در خوست، نهاد «نام‌های جغرافیایی آمریکا»
درخواست فرماندهان نیروهای آمریکایی در
خلیج فارس برای استفاده از نام مجول را به
دولت آمریکا رد کرد؛ نخست اینکه «هیچ کشوری
نی‌تواند نام یک عارضه جغرافیایی را که خارج
از قلمروش قرار دارد، به‌طور خودسرانه تغییر
دهد» (درای ۱۹۹۰). در همان منطقه
برادر دارم و استفاده از نام پیشنهادی موجب
شکست می‌شود.

با وجود مواضع رسمی نهاد یادشده و به تبع آن دواير دولتي آمريکا، با شروع دهه ۹۰ ميلادي نبره‌هاي نظامي آمريکا که در برخي از مخ‌نشين‌هاي خليج فارس، بويژه واکان پنجم بر روبرو در بحرين، مستقر شده بودند نتوانستند، بر برابر فشار اين شيوخ و قانون محلي مربوطه، راي استفاده از نام مجعول مقاومت کنند. البته مقامات وزارت دفاع اغلب در مواجهه با اعتراض‌ها اذعان کرده‌اند زير فشار از ناحيه مقامات سعودي و ديگر کشورهاي عربي انگيزي از استفاده نکردن از نام خليج فارس شده‌اند. حتي در يک مورد، سخنگوي تيروي دريائي آمريکا، توضيح داد «ما ضمن اينکه از تاريخ پرافتخار مردم ايران و نيز تاريخ طولاني نام خليج فارس مطلع هستيم؛ اما چون اصطلاح «خ ل ي ج» ب ي» توسط تيروي دريائي آمريکا در منطقه متحان منطقه‌اي استفاده مي‌شود، ما آن را هتافاچر گزارش‌هاي دريافتي از تيروي دريائي منطقه استفاده مي‌کنيم و در موارد ديگر نام تاريخي خليج فارس را به کار مي‌بريم».

به تدریج در کنار واحدهای نظامی مستقر، منطقه که برای استفاده نکردن از نام خلیج فارس دستورالعمل دریافت کرده است، به تدریج به یک مقامات آمریکایی نیز متناصب با یکدیگر به اعراب و منافع اقتصادی مربوطه رفتارهای متناقضی را به نمایش گذاشتند. همچنین روند طولانی سرتی و تنش در روابط ایران و آمریکا حاصل مهم دیگری بود که موجب گرایش به استفاده نکردن از نام تاریخی و سنتی «خلیج فارس» در سطوح دولتی شد و تلاش شد از آن عنوان اهرم فشار علیه ایران استفاده شود.

باین حال تانکون وزارت خارجه آمریکا نیز به موازات استفاده تقریباً مستمر از نام «خلیج فارس» در رسانه‌های معتبر آمریکا و مراکز تحقیقاتی و دانشگاهی، عمدتاً به موضع رسمی خود پایبند بوده و مقامات آن در اظهارات و بیانات و بیانیه‌های مکتوب اکثراً به استفاده از نامی گرایش داشته‌اند که در مدرسه آموخته‌اند.

این‌حال و با وجود مواضع رسمی، گاه در سطوح عالی حاکمان از کلمه «خلیج» استفاده نکرده است؛ برای مثال در سخنرانی معروف ۲۰۰۹ اوامام در قاهره را در ابلاغ انتصاب رئیس راس بعثت‌ان سازمان ویژه هیلاری کلینتون برای «خلیج و آسیای جنوب غربی» چنین شد: «ما مغایر با رویه رسمی در وزارت خارجه بودیم. مورد اعتراض شدید ایران. از جمله ایرانیان خارج از کشور قرار گرفت. البته هر بار و در می‌کوشش‌های ایران، ما ویژه ایرانیان مقیم آمریکا اعتراضات خارج می‌ماند. توضیح داده که تعدمی در کار نبوده و نباید نتیجه‌گیری عمده‌ای از این موارد کرد. نام از «خلیج فارس» همچنین به‌طور رسمی در کنگره آمریکا، از جمله در اسناد و مصوبات آن، استفاده می‌شود؛ هرچند برخی از اعضای کنگره نیز ثبات قدیمی در این مورد ندارند. متناسب با شدت مواضع‌شان علیه ایران یا دوستی یا دولت‌های غربی نام‌های مختلفی را استفاده می‌کنند.

